

در عالم موسیقی و صنعت

چهار کنفرانس

بضمیمه مقاله « صنایع ظریفه »

اثر

آقای علینقیخان وزیری

بازنویسی، ویرایش، یادداشت‌ها و تحلیل

شهرام آقایی پور





مؤسسه‌ی فرهنگی - هنری ماهور

تهران، خیابان حقوقی، شماره‌ی ۴۲، طبقه‌ی همکف

کد پستی ۱۶۱۱۹۷۵۵۱۶

تلفن: ۷۷۵۰۲۴۰۰ و ۷۷۶۰۱۰۲۰

www.mahoor.com

info@mahoor.com

در عالم موسیقی و صنعت

چهار کنفرانس

به ضمیمه‌ی مقاله‌ی «صنایع نظریه»

اثر

علینقی خان وزیری

بازنویسی، ویرایش، یادداشت‌ها و تحلیل

شهرام آقایی پور

طراح گرافیک: سارا موسوی

چاپ اول: ۱۴۰۲

تعداد: ۲۰۰ جلد

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: برتر

© حق چاپ محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۲۸۶۲-۴-۱ ISBN: 978-622-92862-4-1

۶	مقدمه
۱۰	مقدمه‌ی استاد سعید نفیسی
۱۳	کنفرانس اول
		صنعت و اهمیت آن
۲۱	کنفرانس دوم
		موسیقی ایران و اهمیت آن در قدیم
۲۸	کنفرانس سوم
		راجع به موسیقی معاصر و موسیقی جدیدی که از بدو تأسیس مدرسه شروع شده و اثرات اخلاقی آن در روح مردم
۳۸	کنفرانس چهارم
		در تئاتر و کلیات صنعتی
۴۴	مقاله‌ی صنایع ظریفه
۵۷	آگاهی‌هایی درباره‌ی خطابه‌ها
۸۳	تحلیل نقدها
۱۰۱	سخن آخر
۱۰۷	تصاویر

مقدمه‌ی استاد سعید نفیسی

در تیرماه ۱۳۰۴ به مناسبت ختام دورهٔ اول^۱ تحصیلات شاگردان مدرسهٔ عالی موسیقی، چهار کنسرت^۲ برای استفادهٔ عموم داده شد. کسانی که در آن کنسرت‌ها حضور داشتند و هنرنمایی‌های فکر توانای آقای علینقی خان وزیری - مدیر و مؤسس مدرسهٔ مزبور - را به توسط شاگردان زبردست او شنیدند بهترین مصدق شیوایی‌های موسیقی جدید این استاد هستند؛ که قطعاً به زودی اسم او را در اکناف عالم به همه کس یاد خواهد داد. دامنهٔ الفاظ و عبارات، از بیان و تفسیر نغمات دلکش موسیقی این استاد هنرمند قاصر است و چیزی است که تا کسی نشنیده باشد نمی‌تواند روح‌نوازی آن را درک کند.

در این چهار شب آقای وزیری جنبهٔ مهم دیگری [هم] به حضار نشان دادند که برای جامعهٔ ایران، کمتر از موسیقی طراوت‌بخش ایشان مهم نیست و آن مقام خطیب اجتماعی و صنعتی است؛ که مثل مقام موسیقی‌دانی، منحصر به آقای وزیری خواهد بود. چهار خطابه‌ای که در آن چهار شب ایراد کردند، و بعد در جریدهٔ معروف «شفق سرخ»^۳ متوالیاً به طبع رسید، شنوندگان را توشهٔ فکری مهمی بخشیده است و من در همان حین که این الفاظ تأثیر بخش از دهان این استاد بیرون می‌آمد آرزو می‌کردم که تمام افراد جامعهٔ ایران از آن فایده بردارند و پس از هر خطابه از ایشان خواهش کردم که تقریرات روانبخش خود را در صحایف^۴ کاغذ مخلد^۵ سازند و یادداشت‌هایی را که در تقریرات خود بدان متکی بودند برای طبع و نشر محیا کنند و ایشان هم خواهش مرا اجابت کردند و صحایفی که در این مجموعه به نظر خوانندگان محترم می‌رسد، فراهم شد. در همان زمان که آقای وزیری تقریرات خود را یادداشت می‌کردند، خیال من آن بود که آن را در مجموعهٔ علیحده گرد آورم؛ و برای کسانی که از شنیدن آن محروم مانده‌اند، ارمغان بگذارم و از همان وقت شالودهٔ این رساله که به ظاهر کوچک، ولی در باطن بسیار بزرگ است ریخته شد؛ و خوشبختانه امروز در این صحایف به کسانی که قدر افکار بلند را می‌دانند و به عقاید صاحبان ایمان و شجاعان عالم فکر احترام می‌گذارند تقدیم می‌شود.

۱. مدرسه‌ی عالی موسیقی در اسفند ۱۳۰۲ افتتاح شد.

۲. در اصل: کنسرت. در برخی اطلاعیه‌های جراید از «بزم نوایی» به جای کنسرت استفاده می‌شد. نگ.ک. به: اعلان اجرای موسیقی در شب فردوسی، مدرسه عالی موسیقی مصمم شده است عن قریب بزم نوایی به یاد آن استاد دژم سرا برپا نماید. (روزنامه‌ی شفق سرخ، ش ۳۸۲، ۸ مهر ۱۳۰۴، ص ۱)

۳. «شفق سرخ» روزنامه‌ای در ایران بود که علی دشتی انتشار می‌داد. ۱۱ اسفند ۱۳۰۰ نخستین شماره‌ی آن منتشر شد. این روزنامه که در دوره‌های اول خود تحت نظر مستقیم دشتی اداره می‌شد، یکی از جراید بزرگ و آبرومند تهران بود و بسیاری از جوانان تازه به راه افتاده، که همه‌شان با ذوق و فعال بودند و بعدها نویسندگان شایسته‌ی کشور شدند، با مدیر آن همکاری داشتند. (آرین پور، یحیی، از نیما تا روزگار ما، تهران، زوار، چاپ چهارم ۱۳۸۲، ص ۳۲۱)

۴. جمع صحیفه، نامه‌ها، کتاب‌ها

۵. جاوید و جاویدان

در موقعی که این صحایف در مطبعه^۶ بود، بر حسب اتفاق به دوره مجله ادبی «ایران‌شهر»^۷ که از دو سال و اندی قبل در برلین - پایتخت آلمان - طبع می‌شود و از مطبوعات عالی قدر زبان پارسی است؛ رجوع می‌کردم و در دوره سال دوم آن در شماره ۳، ۵ و ۶ به مقاله‌ای از قلم آقای وزیری به عنوان «صنایع ظریفه» برخوردم که سال گذشته نیز به خواندن آن در حین انتشار فایض^۸ شده بودم. ستایشی که همیشه نسبت به تراوش افکار آقای وزیری داشته‌ام، دوباره مرا به خواندن آن مقاله رهنمایی کرد و به ذخایر گران بهایی که از گنجینه فکر روشن و دلیر او در این مقاله به رایگان بیرون آمده است؛ بار دیگر متوجه شدم و دیدم حیف است که آن دُرر یتیم^۹ و غُرر افکار^{۱۰} در ضمیمه این صحایف دفعه‌ای دیگر به خوانندگان عرضه نشود و در ستر مرور زمان و گذشت دور ایام متروک و مهجور بماند و [از این رو] آن را ضمیمه چهار خطابه آقای وزیری قرار دادم.

مقدمه نوشتن بر آثار این استاد کاری به غایت دشوار است. زبان شاعر هر چه فصیح باشد از عهده توضیح صباحت^{۱۱} دلربایان بر نمی‌آید. زیبایی‌ها را که در عالم هست، هرگز عبارات بلیغ و الفاظ رسا نمی‌توانند شرح دهند. تا کسی دیده بینا و نظر صائب نداشته باشد به درک آن فایق نمی‌گردد.

همان طور که تقریظ بر بیانات آقای وزیری زحمت بیهوده است، کسی که دارای فکر روشن و قریحه صنعت باشد خود از این صحایف لذتی خواهد برد و ضرورت به بیان من نیست، و آن کسی هم که چشم بینا ندارد اگر هم اوراق متعدد در وصف صحایف آینده این کتاب بخواند در حکم آینه داری در کوی کوران خواهد بود. اینک بهتر است که خوانندگان را بیش از این در این مقدمه کوچک سرگردان نگذارم و ایشان را فوراً به بیانات دلنشین آقای وزیری هدایت کنم. زیرا یقین دارم کسی که با اندوخته‌ای از فکر، و توشه‌ای از قریحه صنعت به خواندن این رساله مقدم می‌شود در ختام این سفر روحانی خود، مرا به خاطره قدرشناسی خویش یاد خواهد کرد که خدمت طبع و نشر این صحایف را که بهترین ره‌آورد برای صاحبان قرایح است، به عهده گرفته‌ام.

تهران^{۱۲} - شهریورماه ۱۳۰۴

سعید نفیسی

۶. چاپخانه

۷. «در ماه ذی‌قعدة ۱۳۴۰ ق / مرداد ۱۳۰۱ ش. مجله علمی و ادبی فارسی به نام ایران‌شهر به مدیریت حسین کاظم‌زاده در برلین انتشار یافت، که اسماً پانزده روزه بود، ولی عملاً جز ماهی یک شماره از آن بیرون نیامد و تا رمضان ۱۳۴۵ ق جمعیاً در ۴۸ شماره منتشر شد.» (از صبا تا نیما، ج ۲، ص ۲۳۳)

۸. فیض دهنده، فیض رساننده

۹. دُرر جمع دُرره، یعنی مروارید. دُرر یتیم: مروارید بی‌همتا و درشت

۱۰. غُرر جمع غُرره، یعنی درست و استوار. غُرر افکار: افکار درست و استوار و برگزیده

۱۱. زیبایی

۱۲. در اصل: طهران

کنفرانس اول، شب چهارشنبه ۱۷ تیرماه [۱۳۰۴] صنعت و اهمیت آن

آقایان محترم! یک سال و چهار ماه از تاریخ افتتاح مدرسه عالی موسیقی می‌گذرد.^۱ بحمدالله طرز پیشرفت کار در این مدت بی‌اندازه رضایت بخش بوده به طوری که موفق شده‌ایم در این موقع برای اولین بار ارکستر مدرسه را به هموطنان عزیز معرفی کنیم.

این نکته را لازم است متذکر شوم. که منظور از این نمایش‌ها نه فقط حظ نفس است؛ بلکه بیشتر آشنا ساختن جمعیت است، به قسمت‌های مهم صنعتی، که تا به حال در ایران وجود نداشته است. آقایانی که در این کنسرت‌ها حضور دارند بهتر است قدری وقت خود را مصروف شناسایی خط مشی این مؤسسه بکنند؛ که در واقع گنجینه احساسات دقیق یک ملت است. یعنی با نظر دقیقی اختلافات مهمی را که کنسرت ما با کنسرت‌های سابق دارد، بسنجند و بر خلاف عادات سابق، ارکستر ما را از نظر فنی و وسعت عمل و اهمیت این صنعت بنگرند.

همان‌طور که تماشای یک مجسمه، منظور دقت در قلم‌کاری‌ها و شاهکاری‌های یک صنعت است، همان‌طور هم موسیقی برای شنوایی صرف نیست و بلکه برای تمیز ترکیبات وسیع و

۱. «در آن وقت کلمه ART را صنعت می‌گفتند، در صورتی که هم اکنون هنر می‌نامند.» (خالقی، روح‌الله، سرگذشت موسیقی، تهران، ماهور، ۱۳۹۰، ص ۴۵۱). «اگر به کتاب «سیر حکمت در اروپا» هم نگاه کنید - این کتاب جزو اولین کتاب‌هایی است که درباره فلسفه غرب نوشته شده است - نویسنده‌اش محمدعلی فروغی وقتی به فیلسوف آلمانی - فیخته - می‌رسد کلمه art را «فن» ترجمه می‌کند. ظاهراً کلمه هنر پس از تأسیس فرهنگستان به جای art به کار برده شد و ترکیبات آن مثل هنرمند و خوبی است، و نه در اصل به معنای نیکمردی و جوانمردی است.» (پازوکی، شهرام، حکمت هنر و زیبایی در اسلام، تهران، فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴، ص ۲۰ و ۴۵)

۲. «شاید لازم به توضیح باشد که در آن موقع خانم‌ها حق حضور در این مجالس را نداشتند.» (خالقی، پیشین، ص ۴۵۱) محمد حسین حسینی در گزارشی از کنسرت‌های کلوپ موزیکال می‌نویسد: «سبک رفتار حاضرین به خوبی مبرهن می‌ساخت که مدعوین با تناسب اخلاقی و از نخبه مردمان تهران می‌باشند. چه کوچک‌ترین رفتار خارج از آداب از کسی مشاهده نمی‌گردید. یکی از حضار که آمریکایی بود اظهار داشت اگر در این جمعیت خانم‌ها نیز شرکت می‌داشتند، مجلس خیلی گرم و شیرین تر بود و مردها سعی می‌کردند که بیشتر در سخن گفتن معقول و مؤدب بوده و از حیث لباس و تمیزی مرتب‌تر و بهتر باشند. مجلس بدون حضور زن کیفیت ندارد. من به مشارالیه جواب دادم که امتحان نکرده‌ام آیا هنوز [حضور] زن اثراتی را که می‌فرمائید خواهد داشت یا نه. ولی در هر صورت مذهب ما چنین اجازه‌ای را نمی‌دهد.» (حسابی، محمد حسین، پنجشنبه شب در یکی از خانه‌های کوچه ارباب جمشید، روزنامه شفق سرخ، ش ۳۴۶، ۳۱ خرداد ۱۳۰۴، ص ۲ و ۳، به نقل از: موسیقی در عصر مشروطه، گردآوری مسعود کوهستانی‌نژاد، تهران، نشر مهرنامک، ۱۳۸۴، ص ۲۲۴)

۳. تاریخ افتتاح مدرسه در شماره‌ی ۲۰۵، ۹ دلو ۱۳۰۲ روزنامه‌ی شفق سرخ این‌طور آمده: «این بنده علیتی وزیری افتتاح مدرسه عالی موسیقی را در خیابان نادری کوچه آقا قاسم شیروانی در تاریخ اول حوت [اسفند] ۱۳۰۲ اعلان می‌نماید.» (به نقل از: اخبار و اسناد کلنل علی نقی وزیری، به کوشش مهدی نورمحمدی، تهران، ماهور، ۱۳۹۸، ص ۲۶)

نامحدود این صنعت و اثرات آن در روح می‌باشد.

البته در این مورد هر کس به اندازه تربیت فکری و تمدن اکتسابی و احساسات طبیعی خود درک می‌کند؛ یعنی درک یک مقام موسیقی برای همه کس مساوی نیست. در صورتی که این قیاس به عمل آید چنین نتیجه می‌گیریم که تا یک سال و نیم قبل هیچ‌یک از این طرق علمی برای این صنعت باز نبود و کورکورانه یک جاده غیر علمی و محدود را می‌پیمودیم. برای آن که آقایان به تدریج ترجمان لفظی هم برای آن چه می‌شنوند؛ داشته باشند؛ یک سلسله مطالب را که راجع است بر صنعت و موسیقی و اهمیت موسیقی ایران، به طریق اجمال در این چهار شب بیان می‌کنم؛ تا شاید مقبول و مفید خاطر آقایان واقع گردد.

صنعت اولین چیزی است که وسیله زندگانی را تشکیل می‌دهد. صنعت را به دو قسم تقسیم می‌کنند: یکی وسیله زندگی جسم، که عبارت است از «صنایع مفیده» و «صنایع عمومی» از قبیل زراعت و مکانیک^۴ و غیره. دیگری وسیله زندگانی روح که عبارت است از صنایع مستظرفه^۵ یا صنایع آزاد که معماری و حجاری و نقاشی و ادبیات و موسیقی باشد.

در این موقع با آن قسمت از صنایعی که وسیله زندگی جسم را فراهم می‌آورد ما کاری نداریم؛ و به شرح صنایع مستظرفه که یگانه وسیله زندگی روح است، می‌پردازیم. انسان با عوالم خارجی به وسیله حواس خمسۀ خود مربوط است و صنایع مستظرفه به وسیله این حواس در روح انسان نفوذ می‌یابند.

صنایع پنج‌گانه مستظرفه وسیله تغذیه و پرورش و ترقی و تعالی روح است. صنایع مستظرفه یک قسمت مهم از وقت عالم را به خود مشغول داشته و همان‌طور که روز به روز به وسیله انکشافات و اختراعات جدید، وسایل تأمین زندگی جسمانی انسان را فراهم می‌آورند؛ به همان نسبت هم انکشافات و مصنوعات جدید به وسیله اشخاص ژنی^۶ برای پرورش و تربیت روح انسان، که یگانه فرمانروای قادر جسم است، به معرض ظهور و نمایش گذارده می‌شود.

۴. در اصل: میکانیک

۵. هنگامی که اولین بار اصطلاح fine art به زبان فارسی ترجمه شد، مشکل به وجود آورد؛ زیرا برای art به معنایی که از قرن هجدهم در غرب پیدا کرده بود معادل فارسی نداریم. چون اصولاً ما از هنرها تلقی مدرن نداشتیم. برای همین ابتدا آن را «صنایع مستظرفه» یا «صنایع ظریفه» ترجمه کردند، و برای art معادل صنعت را آوردند. Fine را نیز به ظریفه یا مستظرفه ترجمه کردند. قبل از این که دانشکده هنرهای زیبا به این عنوان تأسیس شود، مدرسه صنایع ظریفه بود. بعداً «هنرهای زیبا» را جایگزین آن کردند. (پازوکی، شهرام، حکمت هنر و زیبایی در اسلام، تهران، فرهنگستان هنر، ۱۳۹۴، ص ۲۰)

۶. وزیری درباره‌ی این اصطلاح در مقاله‌ی «صنایع ظریفه» توضیح می‌دهد که: «ژنی، مجموع قوای روحیه‌ای است که به عالی‌ترین درجه قدرت بیان رسیده باشد، به عبارت دیگر می‌توان گفت که ژنی برای صنعت همان است که روح برای جسم، کار ژنی ابداع و ساختن مصنوعات است که برای زمان خود اصل نو و خیال جدیدی را نشان دهد، و آنها از هر حیث از نقطه نظر معنوی و حقیقی شباهت به صانع خود خواهد داشت...» ژنی جیبلی انسان است. یعنی نه هیچ استادی آن را تعلیم تواند نمود و نه هیچ قدرتی باعث وجود آن در زمینه‌ی ای که موجود نیست؛ خواهد گشت.

علینقی وزیری پس از مراجعت از اروپا، در اسفند ۱۳۰۲ مدرسه‌ی عالی موسیقی را افتتاح کرد. چون از بدو تاسیس مدرسه، ارکستر آن مورد استفاده‌ی عموم واقع نشده بود؛ وزیری تصمیم گرفت تا در تیرماه ۱۳۰۴ به مناسبت اختتام دوره‌ی اول تحصیلات شاگردان مدرسه‌ی عالی موسیقی؛ چهار کنسرت برای استفاده‌ی عموم ترتیب دهد. خالقی در کتاب سرگذشت موسیقی می‌نویسد: «وزیری چون دید با شنوندگان بیشتری سر و کار خواهد داشت؛ چهار خطابه تهیه کرد که هر یک از آنها را در یکی از کنسرت‌ها به صورت کنفرانس؛ ضمن نغمات موسیقی ایراد کند؛ تا بدین وسیله بتواند در اطراف موسیقی که هرگز تا آن وقت در این زمینه مردم چیزی نشنیده بودند، صحبتی کند.» او در این خطابه‌ها چارچوب فکری و چشم‌انداز اهداف آینده‌ی خود را به شکل خلاصه و منسجم به اهل فرهنگ آن زمان اعلان کرد. این خطابه‌ها نهایتاً در آبان ماه ۱۳۰۴ به کوشش سعید نفیسی به چاپ رسید. مجموعه‌ی حاضر علاوه بر بازنشر متن اصلی متضمن شرح و تحلیلی بر آن خطابه‌هاست.

